

در سومین سالگرد ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ به بازشناسی مجددی از آن می‌پردازیم

سه ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱، دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ در مشخصات زیر مشترکند:

الف - خلأ سازماندهی.

ب - خلأ رهبری و راهبری (درونی و برونی).

ج - محدودیت در شکل مبارزه خیابانی.

د - عدم پیوند با حرکت‌های دموکراتیک و در رأس آن‌ها اعتصاب‌های کارگری.

که از این بابت بوده است که «کنش‌گران نتوانستند با دو مؤلفه‌ای کردن مبارزه یعنی در دو شکل خیابان و کارخانه یا اعتراض و اعتصاب، وارد وضعیت انقلابی یا دوران انقلابی (مانند انقلاب سال ۵۷) بشوند تا توسط آن رژیم مطلقه فقهاتی حاکم در برابر تزلزل موجودیت قرار بدهند» یا به عبارت دیگر «وارد وضعیت انقلابی بشوند و موجودیت رژیم را به چالش بکشند».

۲

☀️ ۱۰۷ دموکراسی و آزادی

☀️ سرمقاله - جنگ غذا و قحطی در سرزمین فلسطین

☀️ ۲۸ تفسیر سوره شوری

☀️ سخن روز - ابر بحران پیچ در پیچ اقتصادی و تورم

در سومین سالگرد ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ به

بازشناسی مجددی از آن می‌پردازیم

می‌توانند زندانی کنند.»

یادمان باشد که اوج اعتلای ابر خیزش پائیز ۱۴۰۱ چهلمین روز قتل حکومتی مهسا امینی بود و از فردای آن مراسم بود که ابر خیزش ضد آپارتایدی فوق، روندی افولی پیدا کرد و به موازات افول ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱، «روند تهییجی کنش‌گران از صورت علنی خیابانی، به صورت حرکت‌های تجمعی غیر مشخص در آمد و از صورت تهاجمی قبلی، شکل تدافعی پیدا کرد و شعارهای کتبی دیواری کنش‌گران صورت مستهجن دیواری پیدا کرد. البته خود این امر نشان دهنده عدم رهبری و راهبری منسجم و سازماندهی درونی بود.»

بی‌شک اگر ابر خیزش پائیز ۱۴۰۱ «شکل گفتمان مشخص به جای شعار فردی «زن، زندگی، آزادی» داشت، همراه با آن گفتمان، روشن‌گیرا

در مقایسه با دو ابر خیزش ملی دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ که توانستند دامنه حرکت خودشان را تا سطح اعماق جامعه بکشانند، ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ به دلیل ترکیب سنی کنش‌گران (۱۶ تا ۲۲ سال) با اکثریت جوان کم سابقه بودن کنش‌گران، نتوانستند به صورت مجرب عمل نمایند و تجربه خیزش‌ها و انقلابات را در جریان مبارزه به کار گیرند و حداقل و نتوانستند حداقل در تعیین شعارهای خود مشخص کنند که «بدانند چه می‌خواهند و بدانند که چه نمی‌خواهند» تا جایگزین سیستم کنونی بکنند و «به جز بخش فمینیست، بخش‌های دیگر جامعه هم در خیزش شرکت کنند. تا در طول مدت چهارماه مبارزه که نشان دهنده طولانی‌ترین ابر خیزش جامعه بزرگ ایران بر علیه رژیم مطلقه فقه‌ای است، به سازماندهی و رهبری دینامیک و شعارهای پخته دست پیدا کنند و در طول این مدت بتوانند با سازمان‌های اعتصاب‌گر جامعه پیوند ارگانیک پیدا کنند تا با کاهش خشونت در حرکت خود، به‌های مشارکت توده‌ها در مبارزه را کاهش دهند» (البته این کار شبیه کار کنش‌گران انقلاب ۵۷ بود که در آن با کاهش هزینه مشارکت در مبارزه با استبداد رژیم کودتائی پهلوی، شرایط برای مشارکت همگانی فراهم ساختند).

یادمان باشد که آنچنانکه قبلاً هم اشاره کردیم، «هر چه هزینه مشارکت برای شرکت در مبارزه جامعه ایران کمتر بشود، شرایط برای مشارکت بیشتر فراهم می‌گردد». برای فهم بیشتر این موضوع باید رهبری و راهبری گاندی در انقلاب هندوستان با امپریالیسم بریتانیا چراغ راهنما قرار دهیم، شعار محوری گاندی در این رابطه عبارت بود از اینکه «نه همه مردم را می‌توانند بکشند و نه همه مردم را

و فراگیر و ایجاد وحدت در راستای ترویج یک جنبش فراگیر، با هدف خاص شکل می‌گرفت، دیگر موتور این ابر خیزش ملی یک شعار «زن، زندگی، آزادی» صرف نمی‌گردید»، به طور کلی «گفتمان اثرش نسبتاً درازمدت و عمیق‌تر از یک دو شعار است»، زیرا «شعار نسبتاً تأثیر کوتاه مدت و سطحی دارد مگر اینکه شعار به جای اینکه جانشین گفتمان حرکت بشود، خود از گفتمان سرچشمه گرفته باشد» پر پیداست که همین امر باعث گردید که ابر خیزش ملی ۱۴۰۱ نتوانست مانند دو ابر خیزش ملی دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ حرکت حلزونی داشته باشد.

در ابر خیزش ملی دی‌ماه ۹۶ اگر در آغاز حرکت، صورت پراکنده به لحاظ گفتمان و شعار حرکت داشتند ولی در اواخر روزهای ۹ گانه حیات خیزش دی‌ماه ۹۶، با پیوند جنبش دانشجویی دانشگاه تهران، «به صورت تطبیقی» شعار گفتمان‌ساز «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا - دیگه تمومه ماجرا» مطرح شد که خود این شعار معنای گفتمان داشت تا معنای شعاری»، زیرا به دو دهه گفتمان مسلط اصلاح‌طلبان از درون حکومت پایان داد.

ممکن است گفته شود که شعار «زن، زندگی، آزادی» که در ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ مطرح گردید، می‌توانست از معنای گفتمانی هم برخوردار باشد؟ در صورتی این تشابه اصلاً برابر نیست. زیرا در شعار «زن، زندگی، آزادی» حتی معنای این شعار برای همه معنای یکسانی ندارد.

مثلاً برای بعضی واژه «زن» در این شعار به معنای مخالفت با «حجاب اجباری» است و برای دیگران فراتر از آن شامل «نفی تبعیض» می‌باشد.

همچنین معنای «زندگی» برای بعضی‌ها می‌تواند به معنای «معیشت» بهتر تعریف بشود و برای برخی دیگر معنای «نحوه زیستن یا سبک زندگی» است.

معنای واژه «آزادی» برای برخی از شهروندان ممکن آزادی به معنی «آزادی در پوشش» بود و برای بعضی دیگر آزادی، «آزادی معنای خلاقیت و کارآفرینی» دارد.

این چنین است که شعار «زن، زندگی، آزادی» نه تنها نمی‌تواند معنای گفتمان داشته باشد بلکه حتی در حد شعار هم نمی‌تواند بین مردم وحدت ساز باشد.

باری، یکی از خصوصیات دیگر ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱، «به چالش کشیدن نظام سه مؤلفه آپارتاید جنسیتی، اقلیت‌های قومی و مذهبی در جامعه بزرگ ایران است، هر چند که رهبری این مبارزه ضد آپارتاید ۱۴۰۱ در دست حرکت زنان بود و به همین دلیل این ابر خیزش توانست تحت رهبری خیزش زنان در دست بگیرند». در این رابطه عدم رهبری دینامیک و سازماندهی از محوری‌ترین آسیب این ابر خیزش ملی در سه بخش آپارتاید جنسیتی و قومیتی و مذهبی باشد.

اکنون با گذشت سه سال از ابر خیزش پائیز ۱۴۰۱ «می‌توان به صورت روشن‌تر از

گذشته به کالبد شکافی این ابر خیزش ملی پرداخت». عنایت داشته باشیم که این ابر خیزش عظیم، من‌های اینکه یک حرکت عظیم اجتماعی و سیاسی بوده است، به موازات آن یک «ابر خیزش فرهنگی هم بوده است» زیرا این ابر خیزش من‌های اینکه ابر خیزش ضد استبدادی و ضد رژیم مطلقه فقهاتی و بر علیه دستگاه‌های سرکوب‌گر چند لایه‌ای رژیم مطلقه فقهاتی بوده است، به علت اینکه برای اولین بار در طول بیش از ۴۳ سالی که از عمر رژیم مطلقه فقهاتی می‌گذشت، یک «قیام عظیم ضد آپارتاید مثلث سه گانه ضد جنسیتی و ضد قومیتی و ضد مذهبی در جامعه ایران در مسیر رهائی زن و رهائی قومیت‌های حاشیه‌های کشور ایران و گروه‌های اقلیت‌های مذهبی بوده است». در نتیجه این امر باعث گردید که غیر از تحول فرهنگی در امور ضد آپارتایدی سه گانه، ابر خیزش ضد استبداد سیاسی و مذهبی و اجتماعی هم حاکم شود.

یادمان باشد که «استبداد رژیم مطلقه فقهاتی، فقط یک استبداد سیاسی صرف نبود بلکه به موازات آن دو استبداد اجتماعی و مذهبی هم بوده است» یعنی «استبداد رژیم مطلقه فقهاتی هم آزادی سیاسی جامعه ایران نابود کرده و هم استبداد اجتماعی بخصوص در رابطه با زنان و هم استبداد اقلیت‌های مذهبی حاکم کرده شده است» و طرفداران مذاهب دیگر حتی مسلمان اهل تسنن هم به چالش کشیده‌اند.

برای فهم جایگاه تاریخی این نوع استبداد سه گانه در جامعه باید برگردیم به دوران

قرون وسطی و دوران رنسانس در اروپا که آن‌ها جهت مقابله با استبدادی که از طرف پاپ کاتولیک، نظام مذهبی و سیاسی و نظام اجتماعی در کف خود قرار داده بودند و این سه نوع آپارتاید سیاسی و مذهبی و اجتماعی بر مردم اروپا تحمیل می‌کردند، پر پیدا است که با حاکمیت رژیم مطلقه فقهاتی بار دیگر نظام کاتولیک و پاپ و کلیسای قدیم در شکل روحانیت مذهبی دگماتیسم حوزه‌های فقهاتی بر کشور ایران حاکم گردیده است و مطابق آن نه تنها نظام سیاسی دوران استبداد رژیم پهلوی به صورت شدت یافته بر مردم ایران تحمیل کرد زیرا در رژیم کودتایی پهلوی دیکتاتوری تنها در شکل سیاست حاکم بود. اما «این دیکتاتوری در رژیم مطلقه فقهاتی، استبداد به صورت توتالیتار در آمده است. یعنی همزمان استبداد سیاسی و استبداد اجتماعی و از مهم‌تر اینکه استبداد مذهبی هم بر جامعه ایران تحمیل کردند یعنی حتی در سرنوشت مردم و در زندگی خصوصی مردم هم دخالت می‌کنند.»

پر پیداست که مبارزه با چنین رژیمی علاوه بر مبارزه ضد طبقاتی مانند خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و مبارزه با استبداد برای کسب آزادی سیاسی مانند جنبش ۸۸، یک ابر خیزش فرهنگی ضد آپارتاید جنسیتی، ضد آپارتاید قومیتی، ضد آپارتاید و ضد مذهبی مثل ابر خیزش ملی پائیز ۱۴۰۱ به عنوان آغاز کار یک ضرورت داشت.

پر روشن است که در خیزش اینچنینی از نوع این خیزش پائیز ۱۴۰۱ بالآخره خیزش

عظیم فرهنگی در ذهنیت کنش‌گران امری طبیعی است. یعنی در ابر خیزش ملی ۱۴۰۱، کنش‌گران شامل زن‌ها و قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی شامل این فرهنگ در سه عرصه می‌شوند. همچنین سه بعدی بودن جوهر ابر خیزش ۱۴۰۱ سبب می‌شود که حتی پس از سرد شدن این ابر خیزش شرایط را برای بازتولید آن در سه جبهه فوق ضد آپارتاید وجود داشته باشد. البته این برعکس خیزش‌های ضد طبقاتی دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ می‌باشد.

پرسشی که در رابطه با ابر خیزش پائیز ۱۴۰۱ مطرح است اینکه آیا با استمرار این خیزش در آینده می‌تواند به سازماندهی و رهبری و راهبری دینامیک تکوین یافته از پائین دست یافت و بدل به جنبش فراگیر بشود؟

در پاسخ به این سوال باید بگوئیم «جای تأمل بسیار دارد»، چراکه «خیزش‌های خودبخوی بدون جنبش‌های خودجوش و خودسازمانده و خودراهبر و خودرهبر دینامیک تکوین یافته از پائین نمی‌تواند بدل به جنبش‌های تکوین یافته از پائین بشوند»، معنای دیگر این حرف این است که «لازمه شکل‌گیری جنبش‌های دینامیک، وجود قبلی گفتمان حرکت‌ساز است» اما برعکس «لازم شکل‌گیری حرکت‌های گسترده ملی خیزشی، بیش از چند شعار خودجوش نیست.»

باز هم تکرار می‌کنیم که «شعار بدون گفتمان هرگز نمی‌تواند حرکت جنبش‌ساز باشد

در صورتی که برعکس حرکت گفتمان‌ساز دینامیک خودجوش و خودسازمانده و خودراهبر و خودرهبر دینامیک جمعی می‌تواند تولید کننده شعارهای دینامیک نه شعارهای مکانیک حرکت‌ساز بشوند.»

بیافزائیم که «در حرکت‌های جنبشی شعارها بعد از حرکت از دل گفتمان زایش پیدا می‌کند اما در حرکت خیزشی، شعار خود آغاز کننده حرکت است» به بیان دیگر مانند خیزش ملی ۱۴۰۱، ابتدا با شعار «زن، زندگی، آزادی» حرکت نمی‌تواند بازتولید مستمر در آینده داشته باشد. اگرچه شعار «زن، زندگی، آزادی» می‌تواند شعار تقلیدی باشد و برای مدت‌ها در ذهنیت تأثیر داشته باشد ولی در عین حال نمی‌توان در کلیه موارد جانشین گفتمان بشود.

همچنین «نقشه و فایده گفتمان در کنار شعار عبارت است از نحوه بسیج حول آن گفتمان است.»

عنایت داشته باشیم که «در گفتمان فراگیر اهداف و واژه و اصلاحات باید واضح باشد تا همه مردم بتوانند از آن درک همسان داشته باشند بعد از گفتگو در حرکت جنبشی بر پایه خودجوش بودن پایه جنبش‌های خودسازمانده، خودرهبر دینامیک یک رهبری منسجم از پیش شرط‌های یک جنبش موفق است.» ●

پایان

جنگ غذا و قحطی در سرزمین فلسطین

اکثریتی قاطع نیاز به اخراج کامل یا نسل‌کشی کلان دارد.»

باری، بدین صورت است که «جنگ فلسطین و اسرائیل در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ یعنی مدت ۲۳ ماه پیش، در ادامه بیش از یکصد سال گذاشته جنگ بین اسرائیل و فلسطین از سرگرفت و حاصل ۲۳ ماه این جنگ به آنجا رسیده است که به گزارش رسانه‌ها برای نخستین‌بار، یک نهاد تحت حمایت سازمان ملل متحد وقوع «قحطی در نوار غزه به‌طور رسمی اعلام شده است که از سوی سازمان ملل پشتیبانی می‌شود» و وظیفه نظارت جهانی (IPC) که نهاد طبقه‌بندی یکپارچه مراحل امنیت غذایی و وضعیت گرسنگی را بر عهده دارد. این نهاد که از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۰۴، تنها چهار بار وضعیت قحطی در جهان را اعلام کرده که آخرین مورد آن سال گذشته در سودان بوده است، امسال در غزه طبق معیارهای این نهاد برای اعلام رسمی قحطی باید سه شرط همزمان وجود داشته باشد که

ایدئولوژی صهیونیسم از بدو موجودیت روی سه نکته تأکید داشته است.

نکته اول اینکه سرزمینی که خداوند به قوم یهود اعطا کرده است، شامل اراضی است که از رود فرات تا رود نیل ادامه دارد.

نکته دوم اینکه نفی ملتی به نام فلسطین در این سرزمین (که در نخستین نطق بن‌گورین اولین نخست‌وزیر اسرائیل مطرح شد اینکه) سخن از مردم بی‌سرزمین منعکس شده است.

نکته سوم اینکه کشور اسرائیل کشوری است تک‌قومی که تنها قوم یهود شهروند آن است و اقوام دیگر طبق قانون اساسی کشور از شهروندی محروم‌اند. در رابطه به این سه اصل فوق، «هم جناح راست و هم جناح چپ صهیونیسم توافق دارند.»

دولت اسرائیل در اولین روزی که به رسمیت شناخته شد، «اخراج شهروندان فلسطین چه مسلمان چه مسیحی را در دستور کار خود قرار داد». همچنین «دولت اسرائیل بیش از ۸۵ درصد مردم فلسطین مقیم کشور اسرائیل از وطن‌شان به ساحل غربی رود اردن اخراج و صدها هزار دهقان فلسطینی هم بمباران پی در پی در نوار غزه زندانی کرد.»

طبق تخمین انستیتوی درک خاورمیانه در سال ۲۰۲۱، «آوارگان فلسطین بیش از هشت میلیون نفرند که شامل ۸۰۰ هزار آواره درون کشور اسرائیل هستند. منتها علی‌رغم این کشتار و آوارگی‌ها، جمعیت فلسطین و یهود درون سرزمینی که اسرائیل از آن خود می‌داند. کماکان مساوی‌اند که در حدود ۷ میلیون نفرند» راه حل نهایی و «ایجاد کشور تک‌ملیتی یهودنشین با

عبارت است از: «دست کم ۲۰ درصد خانوارها دچار کمبود شدید غذا باشد، ۳۰ درصد کودکان دچار سوء تغذیه حاد باشند و روزانه دو نفر از هر ۱۰ هزار نفر بر اثر گرسنگی جان خود را از دست بدهند.»

بر اساس این گزارش بیش از یک میلیون و ۷۰ هزار نفر دیگر یعنی بیش از نیمی از جمعیت نوار غزه در حال حاضر در سطح «فوریت غذایی» قرار دارند که مرحله دوم بحران محسوب می‌شود و تا وضعیت وقوع قحطی فقط یک گام فاصله دارد»

آنتو گوتشر دبیر کل سازمان ملل، پیش‌تر در پی کارشکنی‌های اسرائیل برای ورود کمک‌های بشردوستانه و استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح و نیز گزارش سیستم طبقه بندی یکپارچه سطح امنیت غذایی هشدار داده بود که «غزه با خطر جدی قحطی رو به روست.»

امجد شو مدیر شبکه سازمان‌های غیردولتی غزه، در این باره گفت: «این بدترین و بحرانی‌ترین مرحله در تاریخ غزه است. ما خسته و بی‌ماریم. اگر غذا نرسد قابل تصور نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد». همچنین نسبت به کشتار غیر نظامیانی که هنگام تلاش برای دریافت غذا هدف قرار می‌گیرند و موانع اداری و IPC گزارش لجستیکی گسترده اسرائیل برای ورود کمک‌ها هشدار داده و خواستار اقدامی فوری، گسترده و پایدار برای مهار «فاجعه انسانی در حال گسترش در غزه» شده است.

دبیر کل سازمان ملل در واکنش به یافته‌های آخرین هشدار سیستم طبقه بندی یکپارچه سطح امنیت غذایی گفت: «غزه با خطر جدی قحطی روبروست. زیرا شاخص‌های مصرف غذا و

تغذیه به بدترین سطح خود از زمان آغاز درگیری رسیده‌اند.»

وزارت بهداشت فلسطین در غزه در مردادماه ۱۴۰۴ یعنی ۲۲ ماه بعد از شروع جنگ اسرائیل و غزه که از ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ شروع شده است، اعلام کرد که «از آغاز جنگ در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهرماه ۱۴۰۲)، تا کنون یعنی پس از ۲۲ ماه، شمار جان باختگان فلسطینی به ۶۲ هزار و ۱۹۲ نفر و تعداد مجروحان به ۱۵۷ هزار و ۱۱۴ نفر افزایش یافته است.»

برنامه جهانی غذا ضمن ابراز نگرانی از جان کارکنان خود و احتمال قطع کمک‌هایشان به نوار غزه تأکید کرده که بحران گرسنگی در این باریکه «به سطح جدیدی از ناامیدی رسیده و تقریباً از هر سه نفر ساکنین غزه، یک نفر روزها غذایی برای خوردن ندارد و این در حالی است که بهای هر کیلو آرد به بیش از ۱۰۰ دلار آمریکایی افزایش یافته است». برنامه جهانی غذا، نهاد وابسته به سازمان ملل متحد اعلام کرد: «ارتش اسرائیل روز یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۴ در یکی از خونین‌ترین حوادث به سوی غیرنظامیان که به کامیون‌های حامل کمک‌های غذایی این نهاد در شمال نوار غزه نزدیک می‌شدند، تیراندازی کرده‌اند، مقامات وزارت بهداشت در غزه شمار کشته شدگان این حادثه را ۸۹ تن اعلام کردند.»

پاپ لئو چهاردهم همین روز یکشنبه را «وحشی‌گری در غزه را محکوم کرد و خواهان پایان فوری جنگ در باریکه غزه شد». پاپ همچنین تنها حمله اسرائیل به کلیسای کاتولیک غزه که به مرگ سه نفر و زخمی شدن ۱۰ نفر که از جمله کشته شدگان یکی کشیش آن

کلیسا بود، ابراز تأسف عمیق کرد.»

لازم است که در تشریح مقامات بهداشت غزه نسبت به کشته و زخمی شدن افراد غیرنظامی غزه در طول ۲۲ ماه بگوییم که «۷۳ درصد کودکان غزه با سوء تغذیه حاد دست و پنجه نرم می‌کنند و ۹۰ درصد جمعیت به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، هر ده دقیقه یک کودک زیر پنج سال به دلیل عوارض گرسنگی جان می‌دهند و بیش از دو میلیون نفر در وضعیت شدید ناامنی غذایی قرار دارند. این فاجعه انسانی در حالی ست که نزدیک به ۸۸ درصد از مناطق نوار غزه یا تحت دستور تخلیه‌اند و یا درگیر عملیات نظامی با جمعیت غیرنظامی در تنها ۱۲ درصد از این خاک فشرده شده‌اند که شرایطی که دسترسی‌شان به منابع حیاتی قطع شده است، کودکان در غزه از گرسنگی می‌میرند. در حالی که انبارهای جهان سرمایه‌داری پر از غذا و مازاد آن هم برای حفظ بازار سرمایه‌داری به دریاها می‌ریزند و شیرهای اضافی گاوداری‌هایشان به زمین‌های کشاورزی پخش می‌کنند اما این فاجعه در حالی رخ می‌دهد که نزدیک به ۸۸ درصد از مناطق نوار غزه تحت دستور نیروهای صهیونیسم جنگ طلب تخلیه و یا درگیر عملیات نظامی هستند و جمعیت غیرنظامی در تنها ۱۲ درصد از خاک نوار غزه فشرده شده است و بدون دسترسی به منابع حیاتی به حال خویش رها شده‌اند.

پشت این ارقام که حتی از استاندارها از «فاجعه نیز فراتر رفته‌اند» مکانیسمی پیچیده از «خشونت استعماری حول غذا، سلامت و بقا وجود دارد که به نظر به شکلی آگاهانه طراحی شده و به اجرا در آمده است». تشدید بحران غذا با محدودیت

شدید سوخت نیز همراه است. با فقدان بهداشت عمومی و تصفیه آب و فاضلاب از کار افتاده هستند. بیش از ۸۵ درصد مرکز درمانی یا نابود شده‌اند یا عملاً از ارائه خدمات اولیه عاجزند، کمبود دارو، برق و تجهیزات بیمارستان‌ها به ساختمان‌های بی‌اثر تبدیل کرده است. کمک‌های بشردوستانه نیز اغلب در مرزها متوقف می‌مانند و در گرمای شدید منطقه فاسد می‌شوند. البته ماشین جنگی رژیم فاشیست و جنگ طلب اسرائیل از جان مردم گرسنه در صف غذا نیز نمی‌گذرد، تنها در یک روز، ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۵ دستکم ۷۹ غیرنظامی هنگام تلاش برای دریافت غذا در نزدیکی گذرگاه زیکیم هدف تیراندازی نیروهای اسرائیل قرار گرفتند. گزارش محلی شمار کشته شدگان ۲۱ تا ۹۴ نفر نیز برآورده کرده‌اند.

مطابق ماده ۵۴ پروتکل الحاق اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) در گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان روش جنگی ممنوع است. همچنین قاعده ۵۳ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، این عمل را خیانت جنگی می‌داند. با عین حال اسرائیل به صراحت این اصول را نقض کرده و محاصره همه جانبه ابزاری که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی که پیگرد حقوقی دارد، انجام می‌دهد.

باری، جنگ رژیم صهیونیسم اسرائیل علیه فلسطینیان است. این حملات در حالی صورت می‌گیرند که اسرائیل نظام توزیع کمک‌های انسانی از حمله مواد غذایی را به شدت تحت کنترل گرفته است که نیز از جمله جنایات جنگی محسوب می‌شود زیرا طبق حقوق بین‌المللی در مناطق جنگی باید دسترسی بی‌طرفانه، بدون تبعیض و ایمن برای امدادگران

و دریافت کنندگان فراهم شود. در شرایط بحران انسانی گسترده‌ای که نوار غزه گرفتار آن است، کنترل رژیم صهیونیسم بر نظام توزیع کمک‌های بشردوستانه، بیش از هر چیز به ابزاری برای استمرار اشغال و سرکوب مردم فلسطین تبدیل شده است. این واقعیت تلخ را حتی سازمان ملل و گروه‌های امدادرسانی بارها اعلام کرده‌اند.

در کنار حملات وحشیانه و مستقیم ارتش اسرائیل به ساکنان نوار غزه و کشتار آنان، رژیم اسرائیل با اعمال محاصره اقتصادی و محدودیت‌های شدید بر ورود کالاهای ضروری مانند غذا، دارو و تجهیزات پزشکی به غزه، سعی دارد شرایط زیستی فلسطینی‌ها را به حدی بحرانی بسازد که توان مقاومت و پایداری خود را از دست بدهند. این سیاست، فارغ از توجیهات امنیتی، ابزاری برای کنترل جمعیت فلسطین است. پیامد این سیاست قتل و عام غیرنظامیان از جمله کودکان و زنان، بر اثر گرسنگی و کمبود درمانی و در نتیجه ایجاد بحرانی است که مصداق بارز جنایت جنگی و خبائثت علیه بشریت است. در همین رابطه بود که دیوان بین‌المللی لاهه حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو و گالانت وزیر دفاع سابق این کشور به اتهام ارتکاب خیانت جنگی و «جنایت علیه بشریت صادر کرد» به جز کشتار فلسطینی‌ها از طریق گرسنگی و کمبود و امکانات درمانی، ارتش اسرائیل به کشتار به ویژه غیرنظامیان هم ادامه می‌دهد.

بنابه داده‌های کمیسیون «لانسِت» گروه تحقیقاتی و تحلیل بین‌المللی تحت حمایت یکی از معتبرترین مجلات پزشکی جهانی «بیش از ۵۹ درصد کشته شدگان فلسطینی زنان و کودکان تشکیل می‌دهند»، که با احتساب افزایش این

تعداد پس از ماه مارس تخمینی محتاطانه است. بر اساس گزارش گاردین از آغاز جنگ تا کنون «بیش از ۱۶ هزار و ۵۰۰ کودک کشته شده‌اند. بیشترین تلفات کودکان حتی در گروه‌های سنی ۱ تا ۵ سال و به بالا بوده است و بخشی از آن‌ها هنگام حمله به ساختمان‌های مدارس یا محل‌های تجمع غیرنظامی بوده است». این آمار کشته شدگان مستقیم بر اثر حملات مستقیم نظامی است اما در بحران انسانی موجود در نتیجه قطعی و گرسنگی و کمبودهای پزشکی برای درمان بیماران روشن نیست برای ما که چه تعداد دیگر از فلسطینیان جان خود را از دست داده‌اند. تنها در دوم ماه مه ۲۰۲۵ بیش از ۲۷۰۰ کودک زیر ۵ سال دچار سوءتغذیه حاد شناسایی شده‌اند.

طبق نظرسنجی موسسه «گالوپ» در ماه مارس ۵۵ درصد آمریکایی‌ها با اقدامات نظامی اسرائیل در غزه مخالف و فقط ۳۶ درصد موافق بودند. با وجود این نظرسنجی‌ها با افزایش آگاهی جهانی علیه اشغال‌گری و کشتار تنها در صورتی می‌تواند به نیروی مؤثر بدل شود که با سازمان‌یابی جوامع بشری از پائین بتوانند فشار یکدست شده خود را بر کشورهای امپریالیستی و صهیونیستی وارد کنند. امری که نشانه‌های آن در اعتراضات جاری علیه جنایات اسرائیل و حمایت از فلسطینیان به چشم می‌خورد.

طبق نظرسنجی در غرب اروپا در خصوص اسرائیل، «۷۰ درصد پاسخ دهندگان به نظرسنجی‌ها، دیدگاه منفی نسبت به اسرائیل دارند. تنها ۲ درصد پاسخ دهندگان به نظرسنجی دیدگاه مثبت داشته‌اند». البته بنا به آمار دفتر حقوق بشر سازمان ملل ۴۸ درصد کشته شدگان این

جنگ ضد انسانی را کودکان تشکیل می‌دهند. طی این مدت ارتش فاشیست اسرائیل مردم ستم‌دیده و خانه بدوش را از شهری به شهر دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر آواره کرده تا منازل‌شان را بمباران و نابود کنند.

رژیم فاشیست و نسل‌کش اسرائیل از بعد از ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ که بدون هیچ دلیلی آتش بس دو ماهه گذشته را شکست تا کنون بیش از ۶ ماه از آن زمان می‌گذرد. با شدت پیشروی و وحشیانه‌تر از دور قبلی با هدف نسل‌کشی و بیرون راندن مردم از سرزمین‌شان، بیمارستان‌ها، زیرساخت‌های اجتماعی، مراکز تجمع مردم و منازل آنان را به ویژه در شهرهای پر جمعیت جنوبی نوار غزه بمباران کرده است. حکومت اسرائیل از آن زمان تا کنون دور دیگری از کشتار و ویرانی اما این بار با شدت هرچه بیشتر به راه انداخته است. این حکومت نژادپرست در ادامه نسل‌کشی مردم فلسطین، مدت سه ماه است با نقض همه قوانین بین‌المللی و با بستن مرزها، محاصره غزه و ممنوع ساختن مواد غذایی و دیگر موارد مورد نیاز زندگی، دو میلیون نفر از مردم غزه را با گرسنگی و قحطی روبرو ساخته است و از قحطی و گرسنه کردن انسان‌ها نیز سلاح دیگری برای نسل‌کشی ساخته است. تصاویر تکان دهنده هزاران کودک گرسنه قابلمه به

دست که تلاش می‌کنند یک کاسه سوپ آماده شده از سود نهاده‌ها و انسان‌های بشردوست را به دست آورند تا برای یک روز دیگر زندگی خود و خانواده را از گرسنگی نجات دهند.

سوالی که در این رابطه قابل طرح است اینکه چرا نتانیاهو این چنین وحشیانه و کینه‌جویانه به جان کودکان و افراد پیر و همچنین زنان غزه افتاده است؟

واقعیت این است که علیرغم ارتکاب تمام جنایاتی که طی بیش از ۲۳ ماه جنگ انجام داده و بیش از ۶۳ هزار ۹۹۰ کشته و تعداد بیش از ۲۰۰ هزار ۴۵۲ نفر مجروح و اینقدر صرف هزینه‌های کلان کرده و هیچ یک از اهداف اعلام شده‌اش از جمله آزادی گروگان‌ها و نابودی حماس و ایجاد امنیت داخلی برآورد نگردیده است و دولت اشغال‌گر اسرائیل با بمباران، کوچاندن و قحطی و گرسنگی دادن مردم فلسطین در غزه می‌خواهد آنان را مجبور نماید از غزه بیرون براند و تمام نوار غزه را نیز اشغال نماید.

نتانیاهو در اوایل سال جاری با صراحت اعلام کرد «ما کنترل همه مناطق نوار غزه را با هدف نابودی حماس به دست خواهیم گرفت.» ●

پایان

وب سایت:

www.pm-iran.org

www.nashr-mostazafin.com

ایمیل آدرس تماس:

Info@nashr-mostazafin.com

ابر بحران پیچ در پیچ اقتصادی و تورم

افسار گسیخته همراه باراه حل سیاسی

برای خروج از این ابر بحران

از ۴۲ درصد معادل برآورد شده اما تورم حداقل هزینه سبد خوراکی خانوارها در همین مدت ۵۶ درصد افزایش داشته است و از آنجایی که حداقل حقوق تصویب شده کارگران در سال جاری برابر با ۱۰ میلیون و ۳۹۰ هزار تومان است اگر در خانوار تنها یک نفر مشغول به کار باشد، تأمین خوراک مورد نیاز خانوار توسط یک فرد حداقل بگیر تقریباً ناممکن است، چراکه تأمین سبد حداقل خوراک یک خانوار بیش از ۱۱ میلیون تومان طبق آمار خود مرکز آمار رژیم مطلقه فقهاتی هزینه در بردارد. با عنایت به اینکه مطابق خود داده‌های مرکز آمار، تورم ایران در سال جاری بیش از ۴۲ درصد رسیده است که ایران در جایگاه چهارمین کشور با تورم بالا در جهان (پس از ونزوئلا، سودان، زیمبابوه) قرار دارد.

در خرداد ماه ۱۴۰۴ (سال جاری) «نرخ ارز یک دلار، از یکصد هزار

طبق آخرین داده‌های مرکز آمار رژیم مطلقه فقهاتی و محاسبات آن‌ها در مردادماه ۱۴۰۴، «هزینه حداقل تأمین سبد خوراکی یک خانوار ایرانی به ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است»، رقمی که نه تنها از حداقل دستمزد مصوب سال جاری کارگران بالاتر شده است و با رشد ماهانه نقطه به نقطه، فراتر از تورم کل کشور، فشار معیشتی مضاعفی بر خانوار و به ویژه اقشار آسیب‌پذیر جامعه وارد کرده است. همچنین بنا به همین داده‌های مرکز آمار رژیم مطلقه فقهاتی، در مردادماه ۱۴۰۴، تهیه لبنیات برای یک خانوار به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است.

عنایت داشته باشیم که لبنیات تنها گروه خوراکی نبوده که در مرداد ماه ۱۴۰۴ شاهد افزایش قیمت بوده و سهم بالایی از مخارج خوراکی را به خود اختصاص داده است، گوشت، میوه‌جات، برنج نیز نقش مهمی در تورم خوراکی ماه گذشته ایفا کرده‌اند. آمار حداقل هزینه تأمین سبد خوراکی ۱۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام شده مرکز آمار در مرداد ماه ۱۴۰۴، نسبت به تیرماه ۱۴۰۴، «۴/۱۸ درصد و نسبت به مرداد سال ۱۴۰۳، ۵۶ درصد رشد کرده است.»

باز طبق همین داده‌های مرکز آمار، «بالاتر بودن رشد ماهانه قیمت این سبد نسبت به تورم ماهانه کل کشور ۲/۹ درصد نشان می‌دهد که البته سرعت افزایش قیمت اقلام خوراکی اساسی و ضروری برای یک خانوار از سرعت افزایش قیمت کل اقلام سبد مصرف یک خانوار بالاتر بوده است.»

همچنین با اینکه تورم نقطه به نقطه مردادماه ۱۴۰۴ بالاتر

تومان هم گذشت» و آن را به بی ارزش ترین پول جهان تبدیل کرد. همچنین نزدیک به یک میلیون نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه های ایران در مقاطع لیسانس به بالا بیکار هستند و بیش از ۵۰ درصد ایرانی ها در حال حاضر زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند. طبق گزارش وزارت بهداشت دولت پزشکیان، ۵۷ درصد مردم ایران دچار سوء تغذیه هستند. کمیسیون اقتصادی مجلس رژیم گزارش داده که ۵۰ درصد مردان ۲۵ تا ۴۰ سال بیکار هستند. گسترش بی سابقه بیکاری و بدون برخورداری از هیچ گونه بیمه اجتماعی که از جمله شامل ۶۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاه نیز شده است.

مرکز پژوهش مجلس رژیم پیش بینی می کند که در سال جاری ۶ میلیون و چهار صد هزار فرصت شغلی از دست خواهد رفت و وضعیت دستمزد کارگران بسیار دردناک تر خواهد شد. ارزش متوسط دستمزد کارگران بسیار دردناک تر است، از ارزش متوسط دستمزد کارگران در طول ۱۴ سال گذشته و تقریباً ۷۰ درصد کاهش یافته است. دستمزد دلاری متوسط کارگران که در سال ۱۳۹۲ سیصد دلار بوده است، در سال جاری به کمتر از ۱۰۰ دلار کاهش یافته است.

باری وقتی که جریان آزادسازی قیمت کالاها از زمان دولت حسن روحانی و ابراهیم رئیسی و بعد مسعود پزشکیان از گوشت، حبوبات و تخم مرغ گرفته تا نان و دارو و تک نرخی شدن ارز فاجعه شدید یا به عبارت درست تر، زلزله ای جدیدی که بر سر زحمتکشان و مزدبگیر آوار شد، گذشته نه چندان دور، حقوق روزانه کارگران پول یک کیلو گوشت بود، حالا همان پول ۷ عدد نان سنگک شده است، با سیاست های

یارانه زدایی دولت ها (از محمود احمدی نژاد، حسن روحانی و ابراهیم رئیسی و امروز مسعود پزشکیان ادامه می دهد) در آینده ای نه چندان دور چه اتفاقی می افتد؟

به گزارش خبرنگار ایلنا، حقوق ماهانه کارگر ۱۴ میلیون است و نان سنگ در شهرهای بزرگ و تهران دانه ای ۵۰ هزار تومان، همین یک جمله ی کوتاه نشان می دهد که معیشت طبقه کارگر تا چه اندازه سقوط کرده است، حداقل دستمزد روزانه کارگران در سیل جاری، بر اساس مصوبه رسمی شورای عالی کار روزانه ۳۴۶ هزار تومان است، این حدود دستمزدی است که با کمی افزایش، به بیشتر کارگران فصلی و روزمرد در ازای یک روز کامل کار پرداخت می شود، با این حساب، دستمزد مصوب در شورای عالی کار برابر با پول ۷ نان سنگک خشخاشی است، در واقع کارگر یک روز کامل کار می کند تا فقط نان خالی بخورد.

توجیه دولت برای گرانی ۵۳ درصدی نان در تابستان امسال، افزایش هزینه های نانویان و پایین آمدن سود آنها است اما علت اصلی این است که دولت حاضر نیست برای آرد نانویان یا به عبارت درست تر برای «نان مردم یارانه بدهد و ترجیح می دهد نان را گران کند» به گونه ای که هزینه خرید ۷ عدد نان سنگک برابر با حداقل دستمزد روزانه مصوب در شورای عالی کار بشود.

چنین شرایطی که بر اساس داده های رسمی مرکز آمار، شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور ۳۶۰/۲ رسیده است که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۴/۲ درصد افزایش داشته است و در زمانی که قیمت برنج ایرانی

به کیلویی ۳۰۰ هزار تومان و قیمت هر کیلو گوشت قرمز به بیش از یک میلیون تومان رسیده، وزیر اقتصاد از لزوم حرکت به سمت ارز تک‌نرخی سخن می‌گوید، به گفته وزیر اقتصاد با حرکت به سمت نظام ارزی تک‌نرخی و مدیریت شناور نرخ ارز توسط بانک مرکزی، می‌توانیم نوسانات و جهش‌های ارزی را کاهش دهیم و ثبات اقتصادی را برای حمایت از تولید و بهبود زندگی مردم محقق کنیم، در حال حاضر، حدود ۳۴ درصد واردات کشور از طریق ارز ترجیحی با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان انجام می‌شود و طرح تک‌نرخی شدن ارز می‌تواند علت افزایش همین دارو، تجهیزات پزشکی، گندم، روغن، گوشت و سایر اقلام مهم مورد نیاز مردم شود. کالاهایی مانند دارو، تجهیزات پزشکی، گندم، گوشت و روغن که در چند ماه اخیر بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد گرانی را تجربه کرده‌اند، با شوک ارز تک‌نرخ، دوباره چند ده درصد یا حتی بیش از صد درصد گران خواهند شد.

در ماه‌های گذشته، برخی از داروهای مورد نیاز مردم از سوی شرکت‌های داروسازی ۴۰۰ درصدی گران شد، این گرانی نیز با مجوز دولت و باز هم به بهانه بالا رفتن هزینه‌های تولید دارو صورت گرفت یعنی دولت حاضر نشد برای داوری مردم یارانه بدهد یا دولت حاضر نیست برای همان مردمی که بیش از ۶۰ یا ۷۰ درصدشان مزدبگیر و دست به دهان هستند یارانه بدهد. دولت می‌خواهد به سمت آزادسازی کامل قیمت‌ها و حذف کامل ارز ترجیحی به بهانه‌ی رانت و فساد، قدم بردارد. سیاست‌های انقباضی دولت به معنای واقعی کلمه، سفره‌های فرودستان را جاروب کرده

است.

علی ایحال، در سال نخست دولت پزشکیان بر اساس داده‌های مرکز آمار رژیم در بازه مرداد ۱۴۰۳ تا تیر ۱۴۰۴، تورم اقلام خوراکی بین ۴۵ تا ۸۰ درصد نوسان بوده است، برخی کالاها حتی افزایش قیمتی دو تا سه برابری تجربه کردند. گوشت قرمز (گوسفندی) از تیرماه ۱۴۰۳ که ۴۵۰۰۰۰ تومان بوده است، در تیرماه ۱۴۰۴ به ۷۵۰۰۰۰ تومان رسیده است.

گوشت مرغ در همین زمان از ۷۵۰۰۰ تومان به ۱۳۵۰۰۰ تومان رسیده است.

برنج ایرانی در همین زمان از ۱۳۰۰۰۰ تومان به ۲۰۰۰۰۰ تومان رسیده است.

شیر بطری (یک لیتری) در همین زمان از ۲۲۰۰۰ تومان به ۳۸۰۰۰ تومان رسیده است.

پنیر پاستوریزه در همین زمان از ۴۰۰۰۰ تومان به ۶۸۰۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است.

روغن مایع (۹۰۰ گرمی) در همین زمان از ۵۵۰۰۰ تومان به ۸۵۰۰۰ تومان افزایش یافته است.

تخم مرغ (شانه ۳۰ تایی) در همین زمان از ۹۵۰۰۰ تومان به ۱۷۰۰۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

هم چنین به گزارش اقتصاد ۲۴، کالاهایی مانند رب گوجه فرنگی، ماکارونی، بیسکویت، قند و شکر، نوشیدنی‌ها و شوینده‌ها نیز در همین زمان با افزایش قیمت ۴۰ تا ۹۰ درصدی مواجه شدند.

از سوی دیگر طی یک سال فوق حمل و نقل

شهری و بین‌شهری (اتوبوس و تاکسی) به‌طور متوسط بین ۳۰ تا ۵۰ درصد گران شده است.

هزینه آموزش غیررسمی (کلاس‌ها و مؤسسات) تا ۶۰ درصد افزایش داشته است و در برخی مناطق شهری هزینه مهد کودک‌ها و آموزش ابتدایی خصوصی دو برابر شده است.

اجاره مسکن در کلان‌شهرها بین ۴۵ تا ۸۰ درصد از آغاز کار دولت مسعود پزشکیان افزایش یافته و سهم اجاره در هزینه خانوارهای دهک‌های پایین، از ۵۰ درصد فراتر رفته است.

به گزارش اقتصاد ۲۴، ناترازی روزافزون انرژی هم در بخش برق (به ویژه در تابستان ۱۴۰۴) و هم در بخش گاز و هم در بخش آب، دولت را با خطرات خاموشی‌های گسترده و افت تولید صنعتی و تعطیلی‌های مستمر ادارات قرار داده است. علی‌رغم وعده‌های سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه انرژی بسیار ناچیز باقی مانده است. تحریم، بی‌ثباتی سیاسی و فقدان اصلاحات حقوقی مانع جذب سرمایه‌گذاری شدند.

یکی از بحران‌های جدی برای دولت پزشکیان، کسری بودجه ساختاری بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بوده که میراثی از دولت رئیسی بوده است که دولت چهاردهم با آن مواجه شده است و بخشی از آن با افزایش فروش اوراق بدهی و استقراض جبران شد. در همین حال افزایش درآمدهای مالیاتی و حذف برخی معافیت‌ها، به‌ویژه برای نهادهای خاص در دستور کار قرار گرفت اما با مقاومت شدید نهادهای ذی‌نفوذ مواجه شد. به هر حال یارانه به‌صورت هدفمند اصلاح نشدند و طرح کالا برگ الکترونیکی با

شکست روبه‌رو شده است.

به گزارش اقتصاد ۲۴ اگر بخواهیم به وضعیت بازار ارز نگاه کنیم، با بحران‌های بیشتری نیز روبه‌رو می‌شویم. در دولت مسعود پزشکیان نیز کنترل نرخ ارز عمدتاً با تزریق منابع نفتی و سرکوب تقاضا انجام شد، نه با اصلاح بنیادی اقتصادی و نتیجه آن بود که دلار تثبیت با دخالت نه با اعتماد صورت می‌گیرد. عنایت داشته‌باشیم که حالا که بیش از یک سال از آغاز دولت مسعود پزشکیان می‌گذرد «سالی که اقتصاد این دولت در میانه میدان مین حرکت کرد». از روز تحلیف که با ترور اسماعیل هنیه و تشدید تنش‌های امنیتی آغاز شد تا جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، مذاکرات نیمه تمام هسته‌ای و بحران‌های مزمن در حوزه انرژی، تورم، تجارت خارجی و کسری بودجه بوده است.

باری امروز دیگر این واقعیت را همه اذعان می‌کنند که رژیم مطلقه فقهاتی در یک ابر بحران پیچ در پیچ اقتصادی عمیق و گسترده دست و پا می‌زند. همچنین همه می‌دانند که مشکل رژیم مطلقه فقهاتی برای خروج از ابر بحران پیچ در پیچ اقتصادی موجود، «سیاسی است». اقتصاد رژیم مطلقه فقهاتی تنها با فراهم ساختن ملزومات لازم در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی برای ادغام کامل در بازار سرمایه جهانی از بن‌بست کنونی رها خواهد شد و آینده‌اش به فراز و فرودهای سرمایه جهان گره خواهد خورد. ●

پایان

«حقیقت سوسیالیسم» و

«حقیقت جامعه مدنی»

عنايت داشته‌باشيم كه «همچنان بين جبهه جنبشى مطالبه‌محور مدنى و سياسى و اجتماعى با جبهه خيزشى معيشتى آن خندق و جدائى وجود دارد كه بدون‌ترديد ريشه اين جدائى باز به خاستگاه مختلف طبقاتى آن‌ها (يعنى طبقه متوسط شهرى و اردوگاه بزرگ كار و زحمت و حاشيه‌نشينان عظيم شهرها) بر مى‌گردد». بر اين مطلب بيازايم كه «همين جدائى و خندق بين دو جبهه عظيم فوق باعث گرديده است كه براى دو دهه حتى بين جامعه مدنى و جامعه سياسى و جامعه عظيم زحمت‌كشان و حاشيه‌نشينان شهرهاى ايران شكاف بزرگى به وجود بيايد» به عبارت ديگر براى دو دهه جامعه بزرگ ايران به سه اشكوبه جدا از هم:

۱ - جامعه مدنى.

۲ - جامعه سياسى.

۳ - جامعه عظيم زحمت‌كشان و حاشيه‌نشينان ايران تقسيم شدند، كه البته خود جامعه مدنى هم به دو قسمت:

۱ - جامعه مدنى حكومتى (كه تابع گفتمان اصلاح‌طلبان حكومتى در عرصه تقسيم باز تقسيم قدرت بين خودشان بودند كه جنبش سبز در سال ۸۸ اوج اعتلاى حركت اين جامعه مدنى حكومتى بودند).

۲ - جامعه مدنى مستقل از حاكميت و مستقل از جامعه سياسى داخل و خارج از كشور كه به‌صورت جنبشى مطالبه‌محور سه مؤلفه‌اى صنفى و مدنى و سياسى تقسيم مى‌شدند

يادآورى كنيم كه جامعه مدنى جنبشى مطالبه‌محور مستقل از حاكميت و جامعه سياسى داخل و خارج از كشور از تابستان ۹۶

توانستند در شكل فراگير حركت كنند. على ايحال با اينكه جامعه مدنى حكومتى از دى‌ماه ۹۶ شكست خوردند، ولى هرگز نبايد فراموش كنيم كه اين شكست جامعه مدنى حكومتى (در طول چهار سال گذشته) به‌معناى عدم ناتوانى آن‌ها جهت بازتوليد حركت خود در آينده نيست، بلكه برعكس بايد عنايت داشته‌باشيم كه «در خلأ آلترناتيوى جامعه مدنى جنبشى فراگير خودجوش و خودسازمان‌ده و خودرهبر تكوين يافته از پايين اقتصادى و اجتماعى و سياسى و مستقل و در صورت اعتلا و سرکوب فراگير خيزش‌هاى معيشتى اتميزه و بى‌سر و بى‌برنامه و بى‌تكتيك و بى‌گفتمان و شكست پروژه يكدست كردن حاكميت به‌صورت پادگانى توسط حزب پادگانى خامنه‌اى تحت هژمونى سپاه امكان بازتوليد جامعه مدنى حكومتى همچنان وجود دارد.»

دلیل این امر هم آن است که هنوز «بخشی از طبقه متوسط شهری یا اقشار میانی جامعه بزرگ ایران به علت همان خندق بین طبقه متوسط شهری و اردوگاه کار و زحمت و حاشیه‌نشینان ایران چشم به اصلاح‌طلبان حکومتی دارند و اصلاح‌طلبان حکومتی را به عنوان نماینده سیاسی خود در حاکمیت تعریف می‌کنند» که البته این خطر بزرگی است که امروز جامعه مدنی جنبشی مطالبه‌محور صنفی و سیاسی و اجتماعی تکوین یافته از پایین و مستقل جامعه بزرگ ایران را تهدید می‌نماید.

باری «خیزش‌ها و جنبش‌های چهارگانه تیر ۷۸، خرداد ۸۸، دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ جامعه بزرگ ایران بیش از هر چیز نشان دهنده نوک کوه یخ بحران خندق بین طبقه متوسط شهری و اردوگاه بزرگ کار و زحمت و حاشیه‌نشینان شهری ایران می‌باشد» بنابراین در همین رابطه است که در آسیب‌شناسی جامعه مدنی جنبشی خودجوش و خودسازمان‌ده و خودرهبر و تکوین یافته از پایین مطالبه‌محور صنفی و سیاسی و اجتماعی امروز جامعه ایران باید بگوییم که بزرگ‌ترین آفتی که این جنبش در این شرایط تهدید می‌کند عبارتند از:

الف - فقر استخوان‌سوز و خانمان‌سوز و روزافزون اقتصادی.

ب - ریزش طبقه متوسط شهری به سمت حاشیه‌نشینان شهری به علت این فقر.

ج - رشد نجومی کمی حاشیه‌نشینان شهری به علت این فقر.

مع‌هذا در این شرایط که پیوند بین جامعه مدنی با حکومت توسط سید محمد خاتمی

و میر حسین موسوی و شیخ مهدی کروبی شکست خورده‌است، برای جلوگیری از بازتولید اصلاح‌طلبان حکومتی جهت پیوند با جامعه مدنی تنها راهی که برای ما باقی می‌ماند «حمایت همه جانبه به صورت راهبری (نه رهبری) جامعه مدنی جنبشی خودجوش و خودسازمان‌ده و خودرهبر و تکوین یافته از پایین و مستقل از حاکمیت و جریان‌های جامعه سیاسی داخل و خارج از کشور می‌باشد.»

پر پیدا ست که «در صورت شکست این جنبش عظیم مطالبه‌محور دینامیک آژیر فاجعه برای حرکت تحول‌خواهانه جامعه بزرگ ایران را به صدا در خواهد آمد» نباید فراموش کنیم که تجربه چهار سال گذشته (از ۹۶ الی زماننا هذا) عمر جامعه مدنی جنبشی ایران نشان می‌دهد که «رژیم مطلقه فقه‌داری حاکم تنها در برابر جامعه مدنی جنبشی دینامیکی سه مؤلفه‌ای صنفی و مدنی و سیاسی مجبور به عقب‌نشینی می‌شود و هرگز با پادگانی کردن حاکمیت و انسداد سیاسی این رژیم سرکوب‌گر نمی‌تواند جلو رشد جامعه مدنی جنبشی مطالبه‌محور دینامیک خودجوش و خودسازمان‌ده و خودرهبر و مستقل و تکوین یافته از پایین امروز جامعه بزرگ ایران را بگیرد.»

بنابراین در این رابطه است که باید داوری کنیم که «رژیم مطلقه فقه‌داری حاکم با انسداد سیاسی و چماق قوی سرکوب اگر بتواند جامعه سیاسی و جامعه خیزشی ایران را سرکوب کند هرگز و هرگز نخواهد توانست جنبش‌های مطالبه‌محور دینامیک صنفی و مدنی و سیاسی و مستقل و تکوین یافته از پایین ایران را سرکوب نماید». عقب‌نشینی نسبی حزب پادگانی خامنه‌ای در برابر مطالبات جنبش معلمان، جنبش

کارگران هفت‌تپه، جنبش مالباختگان و جنبش کامیون‌داران خود مشتی نمونه خروار در این رابطه می‌باشد. بی‌شک در این رابطه باید داوری کنیم که آن چنانکه خمینی و حواریونش در دهه شصت با انسداد سیاسی و رویکرد قتل و عام، تیغ و داغ و درفش، شکنجه و زندان و اعتراف‌گیری به‌دنبال نابودی و سرکوب و قلع و قمع جامعه سیاسی ایران بود و تا اندازه‌ای هم در این هدف خود پیش رفت، خامنه‌ای و حزب پادگانی او در این شرایط با پادگانی کردن حاکمت تحت هژمونی سپاه در راستای سرکوب جامعه مدنی جنبشی دینامیک مطالبه‌محور سه مؤلفه‌ای صنفی و مدنی و سیاسی شکست خواهد خورد.

عنایت داشته‌باشیم که در این رابطه «فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی امروز آینه تمام‌نمای پتانسیل جامعه مدنی جنبشی دینامیک مطالبه‌محور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه بزرگ ایران می‌باشد» و قطعاً «یکی از راه‌های تحلیل پتانسیل عظیم جامعه مدنی جنبشی دینامیک مطالبه‌محور امروز جامعه ایران کالبد شکافی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد» لازم به ذکر است که «جامعه ایران از جنبش مشروطیت الی الان پیوسته نشان داده است که یک جامعه پلورالستیک است» و همین خودویژگی پلورالستیکی جامعه ایران باعث می‌شود که «جامعه مدنی جنبشی مطالبه‌محور دینامیک خودجوش و خودسازمان‌ده و خودرهبر تکوین یافته از پایین استبدادپذیر نباشد و امکان کره شمالی و یا عربستان سعودی شدن کشور ایران را از رژیم مطلقه فقهاتی حاکم بگیرد».

بدون تردید مبانی پلورالستیکی جامعه بزرگ ایران عبارتند از:

الف - تنوع فرهنگی و مذهبی و زبانی .

ب - تنوع قومیتی .

ج - تنوع سیاسی .

باری «در کادر همین خودویژگی پلورالستیکی جامعه بزرگ ایران بوده است که در طول ۱۵۰ سال گذشته حرکت تحول‌خواهانه جامعه بزرگ ایران جنبش آزادی‌خواهانه بر جنبش برابری‌طلبانه برتری داشته است.»

پر واضح است که یکی از دلایلی که باعث گردیده که رژیم مطلقه فقهاتی حاکم در طول ۴۲ سال گذشته عمر خود نتواند حتی در خود بافت‌های حاکمیت به یکدستی سیاسی و ایدئولوژیک و گرایش اقتصادی دست پیدا کند و در طول ۴۲ سال گذشته پیوسته جناح‌ها و جریان‌های قدرت درون حاکمیت از داخل در حال ریزش و تسویه حساب و تقسیم باز تقسیم قدرت بوده‌اند به‌خاطر همین خاستگاه پلورالستیک جامعه بزرگ ایران می‌باشد و صد البته همین موضوع هم باعث شکست پروژه پادگانی کردن یا یکدست کردن حکومت توسط حزب پادگانی خامنه‌ای در این شرایط در راستای سرکوب جامعه مدنی جنبشی و خیزشی خواهد شد و هرگز و هرگز حزب پادگانی خامنه‌ای توسط پادگانی کردن حاکمیت تحت هژمونی سپاه نخواهد توانست ابر بحران‌های مشروعیتی، موجودیتی، سیاسی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی خود را مهار نماید. ●

ادامه دارد

«سوره شوری» تبیین مبانی

«عدالت‌محور» و «شوری‌محور» اسلام قرآنی

در بستر جنبش رفاه‌بخش پیامبر اسلام

بر پایه «وحی نبوی»

«وَأَمَرْتُ لَأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»، «وَأَمَرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»

«خود وحی نبوی در پیامبران الهی از آغاز تا خاتم صورت‌پروسی در حال تکامل داشته است، در نتیجه همین پروسس رو به تکامل وحی نبوی پیامبران باعث گردیده تا وحی نبوی پیامبر اسلام یعنی قرآن در نوک پیکان تکامل وحی نبوی تمامی پیامبران الهی قرار بگیرد.»

البته از اینجاست که همین تکامل وحی نبوی پیامبر اسلام و قرآن باعث گردیده است که آنچنانکه قرآن در آیه ۱۹ سوره آل عمران مطرح می‌کند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا يَبِغُهُمْ...» - به‌درستی که دین نزد خدا تنها اسلام است، ولی اهل کتاب در آن اختلاف کردند با اینکه علم به آن داشتند، ولی به‌خاطر دشمنی با یکدیگر این اختلاف را در دین واحد خدا راه دادند» (سوره آل عمران - آیه ۱۹) و با اینکه در فصل سوم

باری، در ۱۰ آیه فصل چهارم سوره شوری (از آیه ۱۷ تا آیه ۲۶) قرآن در ادامه فصل سوم سوره شوری (چهار آیه از آیه ۱۳ تا آیه ۱۶) به «ادامه تبیین دین می‌پردازد» آنچنانکه فوقاً هم در خصوص تبیین دین در قرآن مطرح کردیم با عنایت به اینکه از نظر قرآن:

اولاً دین در دیسکورس انبیاء الهی از زمانی مادیت پیدا می‌کند که وحی نبوی از عرصه تجربه دینی انبیاء وارد جامعه و زمان و تاریخ بشود.

ثانیاً دین در دیسکورس انبیاء الهی و قرآن تنها یک دین است نه ادیان.

ثالثاً دین در دستگاه انبیاء الهی با شرایع و وحی نبوی تفاوت دارد.

رابعاً دین در رویکرد انبیاء الهی حاصل وجه مشترک وحی نبوی انبیاء الهی می‌باشد.

خامساً حاصل مشترک وحی نبوی انبیاء الهی همان اصول دینی می‌باشد که عبارت است از توحید و نبوت و معاد.

سادساً اگرچه دین در ادبیات پیامبران الهی یکی است و آن هم وجه مشترک وحی نبوی آنهاست و وجه مشترک وحی نبوی آنها هم اصول سه‌گانه توحید و نبوت و معاد می‌باشد، نکته‌ای که در این رابطه باید عنایت داشته باشیم اینکه آنچنانکه

سوره شوری (در آیه ۱۳) قرآن در خصوص دین مشترک میان پیامبران اولوالعزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبر اسلام می‌گوید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا...» - (خداوند) برای شما از دین همان را تشریع کرد که نوح را بدان توصیه فرمود و آنچه ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم مشترکاً این بود که دین را به پا دارید و در آن تفرقه نیندازید» (سوره شوری - آیه ۱۳).

بنابراین «تبیین اصول سه گانه دین یعنی توحید و نبوت و معاد در قرآن به صورت کامل‌تر از وحی نبوی پیامبران ماقبل پیامبر اسلام صورت گرفته است» تا آنجا که می‌توان در خصوص «تبیین معاد در قرآن به خصوص در آیات تنزیلی فرایند مکی صدها برابر بیش از تمامی وحی نبوی ماقبل پیامبر اسلام صورت گرفته است». مع‌هذا در این رابطه است که در فصل چهارم سوره شوری (ده آیه این سوره از آیه ۱۷ تا آیه ۲۶) «تنها به تبیین معاد پرداخته‌است» که در تفسیر این ده آیه فصل چهارم سوره شوری می‌توانم بگویم که :

اولاً در آیه ۱۷ «وحی را به صورت دو مؤلفه‌ای نزول کتاب و میزان تعریف کرده است» که آنچنانکه قبلاً در سلسله درس‌های قرآن در تفسیر سوره حدید (در نشر مستضعفین ایران) مطرح کردیم «میزان در اینجا به عنوان عدالت می‌باشد که در کنار کتاب به عنوان «آگاهی» قرار می‌گیرد «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - ما فرستادگان خود را با آیات روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا خود توده‌ها قیام به قسط بکنند» (سوره حدید

- آیه ۲۵).

به هر حال «مراد از کتاب در آیه ۱۷ سوره شوری همان دین می‌باشد که این دین در عرصه زیربنا و زیرساختی خود بر اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد استوار است» و در عرصه روبنایی دین آنچنانکه در آیه ۱۵ سوره شوری مطرح شده‌است «این ایدئولوژی یا روبنای دین بر ۱۰ پایه استوار می‌باشد» که مهم‌ترین آن‌ها در این ۱۰ پایه «اصل عدالت و برپایی قسط توسط توده‌ها یا همان ایجاد برابری و مساوات برای همه مردم می‌باشد».

لهذا در همین رابطه است که در آیه ۱۳ سوره شوری از ترکیب «أَقِيمُوا الدِّينَ» استفاده می‌کند یعنی «بر پا کردن دین» که بی‌شک این بر پا کردن دین در جامعه آنچنانکه در آیه ۲۵ سوره حدید مطرح می‌کند «تنها با بر پا کردن قسط و عدل یا برابری و مساوات در جامعه ممکن می‌باشد» و «بدون تردید بدون برپایی قسط و عدل در جامعه امکان بر پا کردن دین در جامعه وجود ندارد» لهذا در همین رابطه است که قرآن در آیه ۱۵ سوره شوری می‌گوید: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ - و مأمور شده‌ام بین شما عدالت بر قرار کنم .»

ثانیاً در همان آیه اول فصل چهارم سوره شوری (آیه ۱۷ این سوره) بلافاصله بعد از اینکه دین با کتاب و میزان تعریف می‌کند در راستای تبیین این دین به موضوع قیامت و معاد می‌پردازد و می‌گوید: «وَمَا يَذْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ - ای پیامبر اسلام توجه می‌دانی شاید آمدن قیامت نزدیک باشد .»

ثالثاً در آیات ۱۸ الی ۲۲ سوره شوری «قرآن کاملاً

به قیامت و معاد می‌پردازد و رابطه انسان‌ها در معاد را مورد بازشناسی قرار می‌دهد.»

رابعاً در آیه ۲۳ سوره شورا قرآن بر عمل صالح در دنیا به‌عنوان توشه اصلی در قیامت تکیه می‌کند و در خصوص عمل صالح پیامبر اسلام در دنیا به او امر می‌کند که بگو «من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به قریاء.»

خامساً در آیه ۲۴ سوره شوری قرآن به پیامبر اسلام آموزش می‌دهد که اگر ضالین و ظالمین در برابر ادعای تو گفتند که «تو افتری بر خداوند می‌بندی»، تو به آنها بگو که «اگر من به خدا دروغ ببندم خدا مهر بر دلم می‌زند و بالاخره باطل را از بین می‌برد و حق را جایگزین آن می‌کند.»

سادساً در آیات ۲۵ و ۲۶ پایانی فصل چهارم سوره شوری قرآن در خصوص تبیین معاد و قیامت و پیوند آن با دنیا دو موضوع محوری را مطرح می‌کند:

یکی اینکه می‌گوید «خدا توبه را از بندگانش می‌پذیرد.»

دیگر اینکه می‌گوید «خدا دعای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام بدهند مستجاب می‌کند.»

آیات ۲۷ تا ۵۰ سوره شوری:

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ - وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْعَبْقَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ - وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَتْ فِيهِمَا مِنْ ذَابَّةٍ - وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ - وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ

وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ - وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ - وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ - إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ - أَوْ يُوقِفُهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ - وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ - فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ - وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ - وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ - وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ - وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ - وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ - إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ - وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ - وَمَنْ يَضِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ - وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ - وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يَضِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ - اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ - فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا إِلَّا عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ - لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَآثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ - أَوْ يَزْوَجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَآثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»

ادامه دارد